

نفوذ تفکر سلفیت در استان سیستان و بلوچستان و تأثیر آن بر امنیت ملی جمهوری اسلامی ایران

مسلم بامری^۱

علی محمد حقیقی^{۲*}

چکیده

در کنار درخشش ارزش‌های ناب اسلامی، عده‌ای در مقابل با تحریف اندیشه‌های زلال الهی اقدام به شکل نهادن جریان‌های سلفی افراطی در عصر حاضر شدند. این جریان‌ها به پشتوانه ادبیات فقهی و شبکه معنایی گسترده توانسته به یکی از مهم‌ترین چالش‌های پیش روی جهان معاصر تبدیل شود. جمهوری اسلامی ایران در سال‌های متمادی از طریق استان‌های جنوب شرق کشور با جریان‌های افراطی و سلفی دست و پنجه نرم می‌کند. در همین راستای، استان سیستان و بلوچستان که در ادوار گذشته میان اهل سنت و تشیع تعاملات شایسته‌ای برقرار بود، امروزه با نفوذ اندیشه‌های تفرقه‌انگیز سلفی‌های افراطی متأثر از آن سوی مرز توانسته به عنوان یک تهدید، امنیت ملی جمهوری اسلامی را خدشه‌دار کند. در پژوهش حاضر به دنبال پاسخ به این سؤال هستیم که نفوذ تفکر سلفیت در استان سیستان و بلوچستان چه تأثیری بر امنیت ملی جمهوری اسلامی ایران داشته است؟ فرضیه مطرح شده در پاسخ این است، نفوذ تفکر سلفیت از طریق پیدایش جریان‌های افراطی داخل استان و ارتباط آن با گروه‌های تکفیری خارج از کشور، مبارزه با نظام مقدس جمهوری اسلامی ایران و ایجاد شکاف‌های قومیتی و مذهبی توانسته برای امنیت کشور تهدید جدی به شمار آید. این پژوهش با رویکرد توصیفی و تحلیلی با شیوه جمع‌آوری اطلاعات به صورت میدانی (مصاحبه)، کتابخانه‌ای و مشاهدات عینی ارائه گردیده است.

واژگان کلیدی: سلفیت، سلفی‌گرایی افراطی، امنیت ملی، سیستان و بلوچستان، جمهوری

اسلامی ایران

مقدمه

۱. دانشجوی دکتری گروه علوم سیاسی، دانشکده علوم انسانی، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد لامرد، لامرد، ایران
۲. استادیار رشته علوم سیاسی، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد لامرد، لامرد، ایران

* am.haghighi@yahoo.com

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۹/۸/۱۳

تاریخ دریافت: ۱۳۹۹/۶/۱۲

فصلنامه پژوهش‌های روابط بین‌الملل، دوره دهم، شماره پیاپی سی و هشت، صص ۳۸-۷



فصلنامه

پژوهش‌های

روابط بین‌الملل،

دوره دهم، شماره

سوم، شماره پیاپی

سی و هشت

پاییز ۱۳۹۹

جمهوری اسلامی ایران به لحاظ موقعیت ژئوپلیتیکی نقش حساسی در منطقه ایفا نموده است؛ کشورهای همجوار به لحاظ نفوذ جمهوری اسلامی در منطقه، در صدد ضربه زدن به امنیت و آرامش آن می‌باشند و دو مقوله مذهب و قومیت را مورد هدف قرار دادند. از آنجایی که کشورهای همجوار پاکستان و افغانستان کانون بحران‌های مذهبی و قومیتی هستند با ایجاد جریان‌های مذهبی افراطی و سلفی در مراکز دینی و انتقال این اندیشه‌ها به اقصی نقاط کشورهای اسلامی با هدف ترویج آموزه‌های سلفی و افراطی خود در صدد فراگیر نمودن این افکار می‌باشند. استان سیستان و بلوچستان یکی از استان‌های مرزی در شرق کشور است که به لحاظ قومیتی، مذهبی، زبانی و فرهنگی دارای اشتراکاتی با کشورهای همجوار پاکستان و افغانستان می‌باشد. فضای مذهبی شبه قاره که اکنون خاستگاه بسیاری از اندیشه‌های سیاسی، اعتقادی و کلامی است تبدیل به یکی از مراکز اصلی در تحولات جهان اسلام شده است. استان به دلیل همجواری با این کشورها و تحصیل اکثر علمای اهل سنت استان در مراکز دینی شبه قاره مستعد پذیرش جریان‌های فرهنگی و مذهبی آن کشورها می‌باشد. بعد از پیروزی انقلاب اسلامی، نفوذ اندیشه‌های سلفی افراطی به داخل استان به شدت رواج یافت و در بسیاری از موارد اندیشه‌های مذهبی و دینی رنگ خشونت به خود گرفت و امنیت کشور را تهدید نمودند. از طرف دیگر، امنیت از مهم‌ترین دغدغه‌های فکری و نیازهای اولیه جامعه می‌باشد و تأمین امنیت از اهداف اصلی دولت‌ها و حکومت‌ها به شمار می‌رود. امنیت در گذشته بیشتر مؤلفه‌های نظامی آن در محافل مورد بحث بود اما امروزه امنیت در ابعاد مختلف فرهنگی، سیاسی، اجتماعی و اقتصادی تقسیم شده است و دشمن برای هر کدام از ابعاد امنیت نقشه و برنامه‌های خاصی تدوین نموده است. در این نوشتار بیشتر سعی شده به بعد فرهنگی امنیت پرداخته شود زیرا تفکرات افراطی و سلفی از طریق مذهب و قومیت که بیشتر جنبه فرهنگی دارند امنیت را مورد تهدید قرار می‌دهند. تهدیداتی همچون ایجاد جریان‌های افراطی و سلفی در استان، ارتباط گیری جریان‌های افراطی استان با جریان‌های سلفی تکفیری خارج از مرزها، مبارزه با نظام مقدس جمهوری اسلامی و تشیع، فعال نمودن شکاف‌های قومیتی و مذهبی و در نهایت فرار سرمایه از استان مورد بررسی قرار گرفته است.

در این مقاله با توجه به نفوذ روز افزون تفکرات سلفی به استان، ضرورت دانسته نفوذ تفکر سلفیت در استان و تأثیر آن بر امنیت ملی جمهوری اسلامی ایران را مورد واکاوی قرار دهیم و از آنجا که در این موضوع تاکنون پژوهش علمی و کاربردی صورت نگرفته و مورد نیاز پژوهشگران، حوزویان، دانشگاهیان و سایر نهادهای فرهنگی، امنیتی و اجتماعی می‌باشد فرصت را مغتنم شمرده در حد بضاعت علمی خویش به مطالعه و تحقیق این موضوع پردازیم.

۱. مفهوم شناسی

تبیین مفاهیم کلیدی پژوهش، نقش بسزایی در روشننگری مباحث مطرح شده دارد. از مفاهیم اساسی این جستار می‌توان امنیت و سلفیت را در ابعاد گوناگون مورد بررسی قرار داد. واژه سلف و سلفیت در ادبیات فقهی اهل سنت از شبکه معنایی گسترده‌ای برخوردار بوده و به یکی از چالش‌های مهم پیش روی مسلمانان و جهان معاصر تبدیل شده است.

۱-۱. سلفیت

از سلفیت تعاریف بسیار زیادی براساس نوع نگاه جریان‌های مذهبی اهل سنت ارائه شده که در مجموع پراکندگی و ابهام در تعریف سلفیت برهمگان عیان و موجب سردرگمی پژوهشگران در این عرصه شده است. لذا به تعاریفی از سلفیت براساس منابع موجود اشاره می‌نمائیم:

۱-۱-۱. **سلف در معنی و لغت:** سلف در معنی یعنی پیش افتاد و سالف به معنای پیشین، قبلی و سابق می‌باشد. سلفی در لغت، از سلف به معنای پیشین است، ابن منظور می‌گوید: سلف، فسلفاً و سلوفاً، یعنی پیشی گرفت؛ سالف، یعنی پیشی گیرنده. سلف، سلیف و سلفه، یعنی جماعت پیشی گیرنده (ابن منظور، ۱۴۱۴: ۳۳۱). ابن فارس می‌گوید: «سلف: اصلی است که دلالت بر تقدم و سبقت دارد پس سلف کسانی هستند که در گذشته بوده‌اند» (ابن فارس، ۱۴۰۱ ق: ۹۵)

۱-۲. **سلفیت در اصطلاح:** به باور و اعتقاد صحابه، تابعین که به نیکی از ایشان پیروی نمودند، تبع تابعین، ائمه دین که مردم آنان را به امامت قبول دارند و بزرگی ایشان در عرصه دین مشهور است و علمای نسل در نسل سخن ایشان را پذیرفته و نقل کرده‌اند. مانند: ائمه اربعه، سفیان ثوری، ابن مبارک، نخعی، بخاری، مسلم، اصحاب سنن (سنائی، ترمذی، ابوداؤد، ابن ماجه و...) سلفیت گویند. هرگز به اندیشه و باور آنان که متهم به بدعت هستند و یا به صفتی ناخوش آیند مشهور شده‌اند، همانند: خوارج، روافض،^۳ مرجئه، جبریه، جهمیه و معتزله سلفیت نمی‌گویند. (بکر، ۱۳۹۵: ۱۶)

۱-۳. **سلف در اصطلاح اهل سنت:** اهل سنت سلف را گروهی از مسلمانان، شامل صحابه، تابعین و تابعین تابعین می‌دانند. آن‌ها این سه نسل را به دلیل نزدیکی زمانی و مکانی و در نتیجه، تلقی بهتر وحی، بهترین مردم (خیره) می‌دانند.

۱-۴. **سلف در اصطلاح شیعه:** سلف، در نگاه شیعه نیز اعتبار دارد؛ اما همواره قید «صالح» (سلف صالح) با آن همراه است. برخلاف اهل سنت که قائل به عدالت همه صحابه هستند، به نظر شیعه، برخی از صحابه کارهایی انجام داده‌اند که آن‌ها را از عدالت ساقط کرده است؛ بنابراین، نمی‌توان همه صحابه را عادل دانست و چشم و گوش بسته و بدون دلیل از آنان پی روی کرد. (علیزاده موسوی، ۱۳۸۹: ۲۸)

۱-۵. **منظور از سلفیت در پژوهش حاضر:** منظور از سلفیت در استان نفوذ اندیشه‌های مذهبی افراطی و تندرو می‌باشد که از درون گرایش‌های فکری اهل سنت ظهور پیدا کرده و با تفسیر آموزه‌های اسلام براساس مبانی فکری گذشتگان به عنوان یک تفکر در میان تعدادی از مذاهب اهل سنت به فعالیت‌های مذهبی و اعتقادی خویش اقدام نموده است.

۱-۲. **امنیت ملی**

۱. از محدثان برجسته اهل سنت و صوفی مسلک در قرن دوم هجری قمری می‌باشد.

۲. نویسنده معتبرترین کتاب حدیث نزد اهل سنت به نام «صحیح بخاری» به شمار می‌آید.

۳. مقصود از اصطلاح روافض از نگاه اهل سنت، همان شیعیان و پیروان مذهب امامیه هستند که به دلیل عدم پذیرش خلفای سه گانه این کلیدواژه را اهل سنت به شیعیان اطلاق می‌کنند.

از مفهوم امنیت تعاریف متنوعی ارائه شده که براساس نوع نگاه، سطوح و ابعاد جامعه متفاوت است که در ذیل به برخی از مفاهیم اشاره می‌نماییم:

۱-۲-۱. امنیت در لغت: امنیت از لحاظ لغوی در زبان فارسی به معنی «ایمن شدن»، «در امان بودن» و «بی‌بیمی» تعریف شده است (معین، ۱۳۷۱: ۳۵۴). در زبان عربی به معنای «اطمینان»، «در امان بودن»، «ضمانت و محافظت»، «حمایت» و «مورد اعتماد و اطمینان» دلالت دارد (سیاح، ۱۳۷۱: ۴۸). در زبان انگلیسی این مفهوم از واژه لاتین securitas از ریشه secura مشتق شده که به معنای رهایی از ترس یا نگرانی، امان، اطمینان، حفاظت و صیانت به کار رفته است (Guralnik, 1982: 1288).

۱-۲-۲. امنیت ملی: امنیت ملی از نظر رابرت مندل: «امنیت ملی شامل تعقیب روانی و مادی ایمنی است و اصولاً جزء مسئولیت حکومت‌های ملی است تا از تهدیدهای مستقیم ناشی از خارج نسبت به بقای رژیم‌ها، نظام شهروندی و شیوه زندگی شهروندان خود ممانعت کنند» (ماندل، ۱۳۷۹: ۵۲).

عمید زنجانی امنیت ملی را این چنین تعریف می‌نماید: «امنیت ملی تعبیری است که معمولاً در مقابل امنیت دسته جمعی در سطح جهانی به کار می‌رود و مفهوم آن عبارت از امکان تعقیب آزادانه و مستقلانه هدف‌های ملی و فقدان خطر جدی برای منافع اساسی و حیاتی یک کشور است» (عمید زنجانی، ۱۳۸۴: ۳۱).

پروفسور «باری بوزان»^۱ به عنوان یکی از بنیانگذاران مکتب کپنهاک (مکتبی نظری در زمینه امنیت) بر این عقیده است که تحلیل امنیت در سه سطح جهانی، منطقه‌ای و داخلی می‌تواند صورت گیرد که در سطح جهانی، بیشتر به تحلیل عملکرد و سیاست‌های قدرت‌های بزرگ، در سطح منطقه‌ای، به حیطة قلمرو تحلیل محدود شده و در سطح داخلی، سیاست‌ها و عملکرد داخلی و تأثیر آن بر امنیت در نظر گرفته می‌شود (عزیزی و همکاران، ۱۳۹۰: ۷).

برخی دیگر امنیت را به صورت «ایجابی» و «سلبی» تقسیم می‌کنند. در معنای ایجابی امنیت، وجود احساس رضایت و اطمینان خاطر نزد دولت مردان و شهروندان و

۱. از بنیانگذاران مکتب کپنهاک و نظریه پرداز گفتمان امنیت به شمار می‌آید.

در معنای سلبی امنیت، نبود ترس، اجبار و تهدید را به عنوان یک شاخص در نظر می‌گیرند (افتخاری، ۱۳۷۷: ۴۵)

۲. پیشینه تحقیق

در رابطه با این موضوع، پژوهش‌هایی به صورت پراکنده و در نقاط دیگر انجام شده که در کتب، رساله و مقالات به صورت محدود یافت می‌شود اما متناسب با این پژوهش تاکنون به صورت جامع در استان سیستان و بلوچستان تحقیق میدانی انجام نشده است. از مجموع کتب و رساله‌های متناسب با این موضوع می‌توان، کتاب با موضوع «اندیشه‌های سلفی‌گری در استان سیستان و بلوچستان» سال ۱۳۹۱، نوشته محمد باقر حیدری نسب که نویسنده در بخش‌های مختلف کتاب رد پای سلفی‌گری در استان و علل نفوذ سلفی‌گری را مورد بحث قرار داده و دلایل آن را در انگیزه‌های سیاسی، وابستگی فکری اهل تسنن استان به دیوبند، فعالیت غیر مقلدین و... می‌داند. کتاب «سلفیه از گذشته تا حال» نوشته مهدی فرمانیان و محمد معینی فر، سال ۱۳۹۵، انتشارات دانشگاه ادیان و مذاهب، نویسنده در این کتاب به پیدایش سلفی‌گری قبل از ابن تیمیه، زمان ابن تیمیه و ظهور مکتب سلفیه، بازگشت سلفی‌گری در زمان محمدبن عبدالوهاب و گسترش آن در این دوره اشاره می‌نماید. رساله کارشناسی ارشد علوم سیاسی دانشگاه خوارزمی، با موضوع «بررسی ریشه‌ها و عوامل رشد و تکوین سلفیسم در جنوب شرق کشور با تمرکز بر استان سیستان و بلوچستان در دهه اخیر» نوشته مسعود جمالزایی، این پژوهش با شیوه جمع‌آوری اطلاعات به صورت کتابخانه‌ای و توزیع پرسشنامه در صدد پاسخگویی به این سؤال است که ریشه‌ها و عوامل رشد و تکوین سلفیسم در جنوب شرق کشور با تمرکز بر استان سیستان و بلوچستان در دهه اخیر کدامند؟ و فرضیه اصلی مقاله آن است که توسعه نیافتگی و شرایط نامناسب اقتصادی باعث رشد و گسترش جریان سلفیسم در استان سیستان و بلوچستان شده است. مقاله با موضوع «تأثیر اقلیت‌گرایی مذهبی بر امنیت ملی جمهوری اسلامی ایران (با تأکید بر نقش سلفیت)» نوشته محمد جهانی، فصلنامه آفاق امنیت، سال ششم، شماره بیستم (پائیز ۹۲)، نویسنده در این پژوهش، برای رصد و تقریر تحلیلی و نظام‌مند این مسئله، نخست امنیت ملی

جمهوری اسلامی ایران را در چارچوب الگوی جامع امنیت نرم افزاری و سخت افزاری مورد واکاوی و مطالعه تحلیلی قراردادده و سپس به بیان آثار و پیامدهای ناشی از فعالیت بخش افراط گرایی مکتب دیوبند^۱ به عنوان یکی از جریان‌های سلفی فعال در کشور بر امنیت ملی جمهوری اسلامی پرداخته است.

پژوهش حاضر یکی از موضوع‌های جدید در حوزه نفوذ تفکر سلفیت در استان سیستان و بلوچستان و تأثیر آن بر امنیت ملی می‌باشد و قبل از آن کار مستقل و سودمندی در این عرصه ارائه نگردیده است. براین اساس نگارنده با استفاده از ظرفیت علما و فرهیختگان اهل سنت تهدیدهایی که ناشی از نفوذ تفکر سلفیت متوجه امنیت ملی شده است را بررسی و راهکارها و پیشنهادهای در راستای کاهش تفکرات افراطی ارائه می‌نماید. یافته‌های این تحقیق برای مراکز حوزوی تشیع و تسنن، مراکز دانشگاهی ادیان و مذاهب، نهادهای فرهنگی، سیاسی و امنیتی و...مورد نیاز است.

۳. چارچوب نظری

امنیت ملی از مفاهیم مهم در مطالعات سیاسی و استراتژیک است. در گفتمان جمهوری اسلامی ایران، امنیت دارای ابعاد گوناگونی است؛ حتی تمامی عرصه و ساحت‌های زندگی را در بر می‌گیرد. دلیل این امر آن است که مرکز ثقل مفهوم امنیت در جمهوری اسلامی ایران، ایده اسلام به مشابه مکتب می‌باشد و مطابق این ایده، اسلام «مکتبی است که در تمام شئون فردی و اجتماعی، مادی و معنوی، فرهنگی، سیاسی، اقتصادی و نظامی»، دخالت و نظارت دارد و از هیچ نکته ولو بسیار ناچیز که در تربیت انسان و جامعه و پیشرفت مادی و معنوی نقش دارد، فروگذار ننموده است. (صحیفه نور، ج ۴: ۱۶۷) امروزه مؤلفه‌های امنیت افزایش یافته و تمامی ابعاد سیاسی، فرهنگی، اقتصادی و حتی قومی و مذهبی را شامل می‌شود. مطالعات جدید امنیت بیانگر آن است که بخش قابل توجهی از عوامل و زمینه‌های امنیت ملی در ارزش‌ها و فرهنگ جوامع و ارتباط آن با دولت‌ها و حکومت‌ها ریشه دارد (لکزایی و دیگران، ۱۳۹۵: ۴۵).

۱. دارالعلوم دیوبند توسط محمدقاسم نانوتوی در روستای دیوبند، ناحیه سهارنپور واقع در ۱۵۰ کیلومتری شمال دهلی بنیان نهاده شد و به یک مکتب فکری در شبه قاره هند تبدیل شده است.

در پژوهش حاضر با توجه به اهمیت امنیت ملی جمهوری اسلامی ایران و ارتباط آن در تمامی ابعاد، از منظر «امنیت پایدار» بحث و بررسی شده است. ایده امنیت پایدار در آستانه قرن بیست و یکم و در برابر ایده امنیت واقع‌گرا یا سنتی که از آن به «امنیت ملی» یاد می‌شود، صورت بندی شد و مفروضات این بود که امنیت واقع‌گرا یا ملی تحت سیطره رویکرد کنترلی شکل گرفته و از این رو، در تأمین امنیت جامعه بشری ناتوان است. بنابراین «امنیت پایدار» رهیافتی است که در مطالعات نوین امنیتی به عنوان جایگزین پارادایم کنترل مطرح می‌شود (پورسعید، ۱۳۹۳: ۱۷). امنیت پایدار به مفهوم شرایط باثبات و اوضاعی است که عمر نظام سیاسی تداوم یابد و با چالش‌ها و تحریکات براندازانه مواجه نشود. همچنین به امنیت همه سطوح یا مراجع و امنیت همه جانبه تعریف شده است؛ در امنیت پایدار تمامی ابعاد و سایه‌های امنیت توأمان باید محقق شود و تناقض و تعارضی میان آن‌ها پدید نیاید (حاجیانی، ۱۳۹۱: ۸-۵). بنابراین، ترکیب مفهوم امنیت و پایداری، حاکی از شناسائی امنیت به مشابه مفهوم همه جانبه و همگانی است و این برداشتی است که مفهوم امنیت در گفتمان جمهوری اسلامی نیز در چاقوب آن شکل گرفته است. ابعاد اجتماعی امنیت شامل گسترش عدالت اجتماعی و کاهش تبعیض، تقویت همبستگی و انسجام جمعی و ابعاد فرهنگی شامل، ضیافت از هویت ملی و مذهبی، ترویج الگوهای ملی و اسلامی در جامعه، مقابله با ابتدال و تهاجم فرهنگی غرب، تقویت بنیان‌های اعتقادی جامعه، فرقه‌گرایی مذهبی و نفوذ تفکر سلفی افراطی می‌باشد و این دو متغیر اجتماعی و فرهنگی بر امنیت ملی جمهوری اسلامی تأثیر مستقیم می‌گذارد. هرچقدر تفکر سلفیت در جامعه رشد نماید باعث تهدید برای امنیت ملی خواهد شد و بر اساس نظریه امنیت پایدار، متغیرهایی همچون تقویت همدلی ملی، فقدان یا کاهش تعارضات، تقویت و انسجام و اتحاد ملی، همزیستی هویت‌های متنوع ملی با یکدیگر، تقویت حس استقلال و... در تولید و ایجاد امنیت پایدار نقش مستقیم و تأثیر گذار دارد.

در پژوهش حاضر، امنیت پایدار از بعد فرهنگی و اجتماعی شامل فرقه‌گرایی مذهبی، هویت ملی و نفوذ تفکر افراطی سلفیت مورد بررسی قرار گرفته است.

۴. مبانی فکری سلفیت

قبل از بررسی هر مذهب، نحله و مکتبی می‌بایست نوع نگرش فکری و اعتقادی آن را شناخت. یکی از پیشگامان تفکر سلفیت در جهان اسلام، ابن تیمیه است و عقایدی که بر روش‌شناسی سلفیه تأثیری انکارناپذیر گذاشته، برگرفته از افکار او می‌باشد. مواردی از مبانی فکری سلفیه را در ذیل اشاره می‌کنیم:

۴-۱. مخالفت با برهان عقلی

یکی از بنیادهای فکری ابن تیمیه، مخالفت با برهان عقلی است. برای خداوند قائل به جسم شده است و چون حس گراست، جمود بر ظواهر کرده و از این مرحله فراتر نمی‌رود. وی با بی اعتبار کردن قیاس برهانی، برای عقل در گسترش علوم، مجالی باقی نمی‌گذارد و حس و استقرار را «فعال مایشاء» می‌داند. (ابن تیمیه، ۱۴۰۶ الف: ۳۲۴)

۴-۲. نقل‌گرای افراطی

ابن تیمیه در کتاب «الرد علی المنطقیین»^۱ به شدت به فلسفه و منطق می‌تازد و مسلمانان را از فراگیری فلسفه و منطق نهی می‌کند و خاستگاه منطق را یونان می‌داند (ابن تیمیه، ۱۴۰۲ ج: ۱۵۹). وی همچنین در دارالفتوی الحمویه الکبری، به سختی با علم کلام مخالفت می‌کند و متکلمان را متهم می‌کند که قول خلف را بر قول سلف ترجیح می‌دهند و این امر موجب نادانی دو چندان آن‌ها شده است. به عقیده ایشان، حیران‌ترین مردم در هنگام مرگ، اصحاب کلام‌اند (ابن تیمیه، ۱۴۰۴ ب: ۱۹۵).

۴-۳. تعصبات ناشایست

از باورهای دیگری که اثری مستقیم بر افکار سلفیت دارند و برگرفته از ابن تیمیه است، تعصبات شدید مذهبی می‌باشد. وی مهم‌ترین دیدگاه خود را علیه شیعه در دو کتاب «منهاج السنه فی نقض علی الرافضه و القدریه و رأس الحسین» آورده است و منهاج

۱. کتابی به زبان عربی، در رد منطق و تألیف ابن تیمیه می‌باشد.

السنه در مقابل منهاج الکراره علامه حلی است که به شدت به شیعه حمله کرده و نسبت‌های ناروایی به شیعه می‌دهد (ابن تیمیه، ۱۴۰۴ ب: ۵۷).

در اثر همین تعصبات و باورهای نادرست بود که محمدابن عبدالوهاب موجی از تندروی و سخت‌گیری به راه انداخت و همه مسلمانان را تکفیر کرد و مذاهب دیگر را اهل بدعت خواند و مدعی شد اسلام ناب در اختیار سلف است.

۵. اقسام سلفی‌گری

سلفی‌گری براساس نوع نگرش فکری به انشعابات تقسیم شده است. سلفی‌گری تکفیری، جهادی، تبلیغی و سیاسی

۱-۵. سلفی‌گری تکفیری

سلفی‌گری تکفیری، گروهی از سلفیان هستند که مخالفان خود را کافر می‌خوانند و براین باورند که میان ایمان و عمل تلازم وجود دارد. بنابراین اگر کسی به خدا ایمان داشته باشد و مرتکب گناهان کبیره شود، از دین خارج شده و کافر است. سلفی‌گری تکفیری، مسلمانان را به علت انجام دادن امور مذهبی، در ردیف مشرکان قرار می‌دهند، در نتیجه آنان را «مهدورالدم» می‌خوانند. مهم‌ترین نوع سلفی تکفیری، وهابیت است (قرضاوی، ۱۳۸۱: ۶۸).

۲-۵. سلفی‌گری جهادی

سلفی‌گری جهادی، ریشه در اندیشه متفکران مصری دارد و باید آن را در اندیشه‌های «سید قطب» رهبر شاخه انقلابی «اخوان المسلمین» مصر جستجو کرد. وی معتقد بود ما امروز در جاهلیتی همانند پیش از اسلام و بلکه وحشتناک‌تر از آن گرفتار شده‌ایم؛ ایده‌ها و عقاید مردم، عادت‌ها و تقلیدهای آن‌ها، منابع فرهنگی و... ساخته همین جاهلیت است.

سید قطب در چنین شرایطی «جهاد» را مطرح می‌کند که در این وضعیت مسلمان وظیفه دارد برای برپایی دین چه با کفار و چه با حاکمان دست‌نشانده کشورهای

اسلامی، جهاد کند. انحراف در اندیشه سلفی‌گری جهادی، هنگامی آغاز شد که این جریان در خدمت هدف‌های سلفیان تکفیری قرار گرفت و سازمان‌هایی مانند «القاعده» و «حزب التحریر» به جای مبارزه با کافران، وارد مبارزه‌های عقیدتی درون دینی شدند. (قرضاوی، ۱۳۸۱: ۷۳)

۳-۵. سلفی‌گری تبلیغی

محور فعالیت‌ها و برنامه‌های سلفی‌گری تبلیغی، تبلیغ اندیشه‌ها و مبانی سلفی‌گری است. سلفی‌گری تبلیغی می‌کوشد در عصر جهانی شدن، با بهره‌برداری از فن‌آوری‌های پیشرفته ارتباطی، گفتمان سلفی‌گری را جهانی سازد. آنان در باب تبلیغ در دو محور فعالیت می‌کنند:

محور اول ترویج مبانی سلفی‌گری: سلفیان تبلیغی، معارف و مبانی خود را در قالب روش‌های نوین به جهانیان عرضه می‌کنند، مانند: حدیث‌گرایی، گذشته‌گرایی و... محور دوم شبهه‌افکنی: القای شبهه برای تخریب عقاید مسلمانان، محور دیگر فعالیت‌های سلفیان تبلیغی است. به عنوان مثال در ایام محرم، شبهه‌های عزاداری مطرح می‌شود (بامری، ۱۳۹۱: ۶۵) و یا درباره طریقت که شمار فراوانی از اهل سنت به آن اعتقاد دارند، شبهه می‌سازند.

۴-۵. سلفی‌گری سیاسی

سلفی‌گری سیاسی، هدف‌های سیاسی را در کنار هدف‌های اعتقادی دنبال می‌کند. از سویی نیز، غربی‌ها به حرکت اسلامی که قائل به ارتباط دین با سیاست باشد، عنوان سلفی‌گری سیاسی می‌دهند. «حزب جماعت اسلامی مودودی»، در غرب به عنوان «حزب سلفی سیاسی» شناخته می‌شود، درحالی که دیدگاه‌های مصطلح سلفی، در آن دیده نمی‌شود. (علیزاده، ۱۳۸۹: ۷۲)

۶. بزرگان سلفی اهل سنت

توجه به آثار و یا پیروی از سلف را می‌توان در عبارات بسیاری از اصحاب اثر و حدیث قرن دوم و سوم یافت (ابن قیم جوزی، ۱۳۹۳: ۱۷۹) در قرن چهارم، پنجم و ششم در آثار بسیاری از اصحاب حدیث آمده است اما اوج گسترش و نظریه پردازی سلفیت در افکار ابن تیمیه شکوفا می‌شود و محمد بن عبدالوهاب این نگرش را در عرصه نظام سیاسی شکل می‌دهد. در همین راستای به برخی از مدافعان اندیشه سلفیت در اهل سنت اشاره مختصر می‌نماییم:

۶-۱. احمد بن حنبل (م ۲۴۰ ق)

احمد بن حنبل از نخستین وعاظ اهل سنت در گرایش به سلفی و گذشته‌گرایی به شمار می‌آید. وی از علمای اهل حدیث است که با استدلال عقل، مخالف بود و تمسک شدید به شیوه سلفیه داشت؛ مانند اینکه، علم کلام و توجه به ظاهر الفاظ قرآن و سنت نبوی را حرام می‌دانست و هرگونه سئوالی را بدعت می‌خواند. (ابن ابی یعلی، ۱۴۰۲: ۲۹۴) مهم‌ترین اثر حدیثی اهل سنت نیز مسند اوست که سی هزار حدیث را در بردارد.

۶-۲. ابو محمد حسن بربهاری (م ۳۲۹ ق)

بعد از احمد بن حنبل، بربهاری از شاخص‌ترین شخصیت‌های سلفیان در اواخر قرن سوم و اوائل قرن چهارم بود. وی معتقد بود: «سنت و تصدیق رسول خدا بدون کیف و شرح است و نباید درباره آن‌ها از چگونگی و چرایی سخن گفت. هرگاه در موضوعی، اثری از آرای اصحاب رسول خدا یا یکی از علما یافتی، به آن تمسک کن و اگر نیافتی، سکوت کن و در این باره چیزی مگو» (ابن ابی یعلی، ۱۴۰۲: ۱۹).

۶-۳. ابن تیمیه (م ۷۲۸ ق)

ابوالعباس احمد بن عبدالحلیم، معروف به ابن تیمیه، متکلم و فقیه مشهور حنبلی در حران متولد شد و در دمشق فوت کرد. از وی به عنوان امام سلفی‌ها یاد می‌شود و ظهور

مکتب سلفیه در قرن هشتم با افکار ایشان وارد مرحله جدیدی شد و با اجتهادات نوین یاد خود، سلفیت را به صورت یک مکتب در آورد. او کتاب الفتوی الحمویة الکبری را در پاسخ به پرسش دیدگاه ائمه دین، درباره آیات صفات نوشت و در آن بارها از عقیده سلف یاد می‌کند و می‌نویسد: «در عقل صریح و نقل صحیح، چیزی که مخالف طریقه سلفیه باشد، وجود ندارد». (ابن تیمیه، ۱۴۰۲ ج: ۶)

۶-۴. محمدبن عبدالوهاب (م ۱۲۰۵ ق)

محمدبن عبدالوهاب از خانواده اهل علم در شهر نجد به دنیا آمد. پدرش از علمای شهر، فردی اهل مطالعه کتاب‌های تفسیر و حدیث بود. او فقه حنبلی را نزد پدر آموخت و آرای وی برگرفته از ابن تیمیه بود و با تاکید بر افراط‌گری، در کفار بحث نظری، به حیطة عملی نیز روی آورد. یکی از جریانات سلفی عصر حاضر که به احیای تفکر سلفی ابن تیمیه انجامید، ظهور فرقه ای با عنوان وهابیت به وسیله محمدبن عبدالوهاب در قرن دوازدهم به کمک آل سعود تأسیس گردید. مرام و مسلک ایشان مبتنی بر افراط‌گرایی و تکفیر بود و به پشتوانه دلارهای نفتی عربستان، ضربات مهلکی بر اندیشه ناب و اصیل اسلامی وارد ساخته و تفرقه در جهان اسلام را گسترش داد. آنان به بهانه بازگشت به تفکر سلف، عموم مسلمانان را تکفیر نموده و خون و مال و نوامیس آنان را به یغما بردند (فرمانیان، ۱۳۹۵: ۵۸). وی کتابی به نام توحید نوشت و پایه‌های نظری خود را در آن معرفی کرد. (زراعت پیشه، ۱۳۸۴: ۱۷)

۷. سلفیت در استان سیستان و بلوچستان

استان سیستان و بلوچستان که در ادوار گذشته میان اهل سنت و تشیع تعاملات شایسته ای برقرار بود امروزه با نفوذ اندیشه‌های تفرقه‌انگیز سلفی‌های افراطی متأثر از آن سوی مرز توانسته به عنوان یک تهدید، امنیت ملی جمهوری اسلامی را خدشه دار کند. خاستگاه نفوذ تفکرات افراطی و سلفی به درون استان از کشورهای همجوار نشأت می‌گیرد و از طریق ابزارهای مختلف تبلیغی و جهادی و با حمایت‌های کشورهای حاشیه خلیج فارس گستره نفوذ این تفکر به مناطق مرزی ایران انتقال یافته است. برای

تبیین و آشنایی اندیشه سلفیت نیاز به بررسی تاریخی و خاستگاه نفوذ آن به درون استان داریم که در ذیل اشاره می‌نمائی‌ام:

۱-۷. پیشینه تاریخی تفکر سلفیت

پیشینه تاریخی نفوذ تفکر سلفیت در استان به چهار دوره تفکر صوفیانه، دوره رشد شریعت‌گرایی، دوره تفکر سلفی بنیادگرا و دوره شکوفایی مذهبی تقسیم می‌شود.

۱-۱-۷. دوره تفکر صوفیانه: این دوره، دوره درهم آمیختگی آنیمیسیم با سنت‌های محلی و درک‌های صوفیانه است و تقریباً قبل از سال‌های ۱۹۲۰ میلادی (دوران قبل از تسلط پهلوی) را دربر می‌گیرد. نگرش مذهبی تا آنجا که با اسلام رابطه داشت، در بلوچستان یک نگرش صوفیانه بود و خصلت آنیمیستی داشت. خصلت آنیمیستی آن در این بود که ارواح، جن و پری در آن نقش مهمی داشت و چشمه‌ها و صخره‌ها، قبور افراد مقدس و غیره مورد ستایش قرار می‌گرفت (جمالزایی، ۱۳۹۵: ۶۴). به عنوان مثال می‌توان بقعه مبارکه امامزاده سید مهدی در شهرستان ایرانشهر و امام زاده غلام رسول در چابهار را به عنوان جایگاه مقدس نام برد.

۲-۱-۷. دوره رشد و تسلط شریعت‌گرایی: این دوره از سال‌های ۱۹۲۰ میلادی شروع می‌شود و تا انقلاب ۱۹۷۹ ایران ادامه یافت. با ورود دانش‌آموختگان حوزه علمیه دیوبند هندوستان، اولین حوزه علمیه در استان پایه‌گذاری شد. مولوی عبدالله سربازی پدر مولوی عبدالعزیز، اولین فرد شناخته شده‌ای بود که از نسل اول مولوی‌ها در بلوچستان از ایشان یاد می‌شود. بیشتر مولوی‌های این دوران حوزه فعالیت خود را از احکام سیاسی جدا می‌دانستند و یا ناگزیر آن را به خاطر فشارهای دولتی پنهان می‌کردند و اغلب شریعت‌گرا بودند. از مهم‌ترین فعالیت‌های دینی علمای اهل سنت، ساخت مساجد محلی، مساجد جامع جمعه، عیدگاه و مدارس دینی بود (نورائی، ۱۳۹۰: ۶۷).

۳-۱-۷. دوره تفکر سلفی بنیادگرا: دوره سوم با استقلال پاکستان، در سال ۱۳۲۶ ه.ش و ورود اهل سنت استان به مدارس اقماری دیوبند در پاکستان همراه می‌شود. با رواج اندیشه‌های سلفی در مدارس پاکستان، فضای فکری فارغ‌التحصیلان این حوزه‌ها

نیز به همان سمت هدایت و کتاب‌هایی همچون شمشیر بران^۱ و... نوشته می‌شود. مولوی عبدالعزیز ملازاده را می‌توان از مولوی‌های نسل دوم و شاید بتوان ایشان را از شاخص‌ترین افراد این نسل به شمار آورد. تعداد حوزه‌های علمیه اهل سنت در این دوران به ده عدد نمی‌رسید.

۷-۱-۴. دوره شکوفایی مذهبی: دوره چهارم با پیروزی انقلاب اسلامی ایران در سال ۱۳۵۷ شمسی همراه می‌شود. فضای حاکم بر انقلاب اسلامی، موجب شکوفایی مذهبی در استان و سپس رشد روزافزون مدارس دینی می‌گردد (مصاحبه با مولوی عبدالغنی دهانی کارشناس مدارس دینی نهاد رهبری در امور اهل سنت سیستان و بلوچستان، ۹۸/۰۶/۱۷). براین اساس در سال ۱۳۶۲ فضای جدید برای نفوذ اندیشه‌های سلفی در استان ایجاد شد و نتیجه آن راه اندازی اولین حوزه علمیه غیر مقلدین آذر استان توسط مولوی «سیاد» دانش آموخته دانشگاه مدینه در روستای سندسر از توابع زراباد کنارک است. (مصاحبه با آقای رئیسی از طلاب مدرسه دارالسنه سندسر، ۹۸/۱۱/۳)

۷-۲. خاستگاه نفوذ تفکر سلفیت در اهل سنت

تفکر سلفیت در استان سیستان و بلوچستان به پشتوانه بافت اجتماعی و مذهبی، همجواری با کشورهای همسایه، حمایت مالی کشورهای خلیج نشین نفوذ پیدا کرده و محیط مناسب برای توسعه فرقه گرایی و ترویج اندیشه‌های افراطی به شمار می‌رود. مواردی از خاستگاه نفوذ تفکر سلفیت در اهل سنت را اشاره می‌نمائی‌ام:

۷-۲-۱. دعوت مستمر علما و طلاب اهل سنت به مناطق سلفی: کشورهای حاشیه خلیج فارس بودجه‌های میلیاردی در جهت جذب ایرانیان به ویژه اهل سنت استان سیستان و بلوچستان اختصاص داده است و برای جذب آنها از روش‌های گوناگونی استفاده می‌کند. به عنوان نمونه، بسیاری از اهل سنت استان بدون مجوز ایران به پاکستان می‌روند و در آنجا گذرنامه تهیه و راهی عربستان سعودی می‌شوند و با هزینه

۱. اثر مولوی محمدعمر سربازی از عالمان اهل سنت استان است که به اثبات توحید و نفی شرک و... اشاره می‌نماید.

۲. فرقه ای از اهل سنت در استان که مخالف تقلید از ائمه اربعه هستند و بیشتر به احادیث صحابه استناد می‌کنند.

بسیار اندک حج می‌گذرانند و هرکدام به نوعی مبلغ عربستان سعودی هستند (مصاحبه با آقای شیرمحمد جوادی کارشناس دفتر نهاد رهبری در امور اهل سنت چابهار، ۱۳۹۸/۱۰/۱۴). براساس شواهد گویا، افرادی از استان در اماکن مختلف از جمله قبرستان بقیع مشغول به فعالیت هستند. (مصاحبه با مولوی احمد سپاهی امام جمعه اهل سنت جالق سراوان، ۹۹/۰۱/۱۲)

۷-۲-۲. جذب طلاب به تحصیل در دانشگاه‌ها و مدارس عربستان سعودی:

در سالیان گذشته به لحاظ دیپلماتیک ایران و عربستان سعودی در سطح وسیع باهم دچار نوعی تعارض هستند. این تقابل در سطح گسترده موجب شد که دو کشور بکوشند در مواضع ضعف یکدیگر نفوذ پیداکنند؛ گرایش‌های مذهبی شیعیان شرق عربستان سعودی به ایران، از اهرم‌های فشاری است که ایران در دست دارد و از سویی دیگر، عربستان سعودی نیز اهل سنت جنوب شرقی ایران را مدنظر قرارداد و سرمایه‌گذاری وسیعی را در این منطقه به منظور ترویج تفکر خویش آغاز نموده است (میر، ۱۳۷۰: ۱۲۷). بیشتر طلاب غیر مقلد (سلفی) استان در دانشگاه‌های عربستان سعودی فارغ التحصیل شدند و تفکرات سلفی را از آنجا به کشور منتقل کردند (مصاحبه با مولوی عبدالغنی دهانی کارشناس مدارس دینی نهاد رهبری در امور اهل سنت سیستان و بلوچستان، ۹۸/۰۶/۱۷).

مؤسسه ارتباطات اسلامی دولت عربستان، موظف شده با دریافت ۵ درصد از بودجه نفتی این کشور، به گسترش سلفی‌گری و جذب طلاب اهل تسنن و جهت دهی آنان در کشورهای اسلامی بپردازد. در اقدامات سازمان‌های تبلیغی برای گسترش نفوذ وهابیت و تفکر سلفی در کشورهای دیگر، با استفاده از فقر اقتصادی و جایگاه ژئوپلیتیک عربستان سعودی برای مسلمانان به ویژه اهل سنت به ارمغان آورده است. این کشور اقدامات ذیل را همواره مورد توجه قرارداد است:

۱. ساخت مدارس و مراکز آموزش قرآن و اعطای کمک‌های مالی به آن‌ها ۲. اعطای بورس تحصیلی به محصلین کشورهای مسلمان ۳. توزیع بلیط رایگان حج ۴. ساخت مسجد در شهرها و روستاها که توسط شیوخ وهابی اداره می‌شوند ۵. استفاده از شبکه‌های تلویزیونی برای تبلیغ وهابیت (رفیع، ۱۳۹۴: ۱۸۸).

مولوی عبدالرحمان سربازی، درباره افکار وهابیت و سلفی‌گری در استان سیستان و بلوچستان می‌گوید: چند نفری انگشت شمار در این اواخر از اندیشه‌های ابوالاعلی مودودی متأثر شده و به منطقه آمده‌اند و یک یا دو نفر نامقلد و شماری دانش‌آموختگان دانشگاه دولتی «مدینه منوره» جامعه الاسلامیه به ریاست پادشاه عربستان سعودی، با مدارکی معادل کارشناسی و کارشناسی ارشد در منطقه هستند. اکثر این دانش‌آموختگان بلوچ به علت وجود عوامل متأثر از اندیشه‌های «مودودی»^۱ «سیدقطب» و «محمدبن عبدالوهاب نجدی» در میان اساتید آن دانشگاه، با تفکری مثلث از سه ضلع مودودیت؛ بی بند و باری در مذهب وهابیت به وطن بازگشته‌اند. (سربازی، ۱۳۹۵: ۴۹)

۲۳

۷-۲-۳. بهره برداری از طلاب خارجی در حوزه‌های علمیه: طلبه‌های خارجی

اهل سنت در سیستان و بلوچستان با سلفیان افراطی منطقه دارای ارتباط تنگاتنگی هستند و متأسفانه مجوز اقامت نیز دارند. شمار طلبه‌های خارجی مدارس دینی استان، نزدیک به ده هزار نفر است و بیشتر از کشورهای پاکستان، افغانستان و عربستان سعودی وارد استان شده‌اند. (مصاحبه با آقای بنافی مدیر دفتر تبلیغات شعبه جنوب شرق کشور، ۹۹/۰۱/۲۹) در سال‌های آینده هرکدام به عنوان مبلغ، مروج اندیشه‌های سلفی و افراطی به شهرهای ایران و سایر کشورها مهاجرت می‌کنند.

۷-۳. کانون هدف سلفیت

اندیشه‌های سلفی‌گری در استان سیستان و بلوچستان اغلب قشر فرهنگیان، دانشجویان و دانش‌آموزان را مورد هدف جهت فراگیری آموزه‌های فکری و اعتقادی خویش قرار می‌دهد. نفوذ تفکر سلفی در میان این اقشار رشد چشم‌گیری داشته است و در طول سال برنامه‌های مشورتی و نشست‌هایی با موضوعات مختلف مذهبی برگزار می‌کنند. هدف اصلی آن‌ها از نفوذ در بدنه فرهنگیان و دانشگاهیان ترویج اندیشه سلفیت به صورت زنجیره‌ای و شبکه‌ای و تبدیل آن به یک گفتمان برای گسترش روزافزون آن در جامعه می‌باشد.

۱. از اندیشمندان سده بیست میلادی اهل سنت، طرفدار تفکر احیای مذهبی و مؤسس جماعت اسلامی پاکستان است.

به عنوان مثال می‌توان حضور زیاد دانشجویان و فرهنگیان در برنامه‌های تبلیغی و جماعت اشاره نمود. در همین راستای علاوه بر فراگیری آموزه‌های علمی، آموزه‌های دینی را همزمان با تحصیل نیز یاد می‌گیرند. (مصاحبه با آقای حشمتی از مستبصرین استان، ۹۸/۱۰/۱۲)

۸. تاثیر نفوذ تفکر سلفیت در استان سیستان و بلوچستان بر امنیت ملی جمهوری اسلامی ایران

نفوذ دیدگاه‌های سیاسی کشورهای منطقه و کشورهای غربی در منطقه که اغلب از طریق گروه‌های سلفی وابسته و واگرا ترویج می‌گردد، فضای سیاسی منطقه را تحت تأثیر خود قرار داده است. در همین راستای، گروه‌های افراطی ساختارشکن در سال‌های اخیر راهبردهای ضد انقلاب را در برنامه‌های تبلیغی خود قرارداد و منطقه را نا امن کرده‌اند و عمده حملات آنان علیه شیعیان منطقه به ویژه شیعیان در استان سیستان و بلوچستان بوده و بر امنیت ملی جمهوری اسلامی ایران تأثیر منفی گذاشته است. پژوهش حاضر از نگاه بعد فرهنگی امنیت شامل فرقه گرایی مذهبی، هویت ملی و نفوذ تفکر افراطی سلفیت تهدیداتی که متوجه امنیت ملی کشور گردیده است را مورد بررسی قرار داده که به برخی از آن اشاره می‌نماییم:

۸-۱. پیدایش جریان‌های افراطی سلفیت در استان

بعد از پیروزی انقلاب اسلامی در ایران، دشمنان جمهوری اسلامی ایران برای مهار آن دست به دامان جریان‌های افراطی و ضد شیعی مختلف از جمله سلفیان شبه قاره شدند. بر اثر فعالیت این طیف، اختلاف میان شیعیان و اهل سنت چنان شدت گرفت که حتی گفته شده است جریان تندروهای سلفی و دیوبندی در پاکستان از گشودن پروژه مقابله با غرب مسیحی، علیه مذهب تشیع در پاکستان جبهه گشود (جهانی، ۱۳۹۲: ۲۴). از میان

۱. مکتبی از اهل سنت در شبه قاره هند که پیروان آن در کشورهای اسلامی تحت تأثیر تفکرات دینی این فرقه قرار گرفته‌اند. همچنین بر این باورند هرنسانی که از اندیشه مجدد الف ثانی (احمد سرهندی)، شاه ولی الله دهلوی و نانوتوی پیروی نمایند تمامی آنان دیوبندی شمرده می‌شوند و بیش از ۹۰ درصد اهل سنت استان سیستان و بلوچستان حنفی دیوبندی هستند.

کشورهای همسایه، پاکستان به مرکز ثقل افراط گرایی فرقه ای و کانونی برای پرورش گروه‌های سلفی مبارز تبدیل شده است (Hill, 2015: 17). به سخنی دیگر، بحران افراط گرایی و فرقه گرایی در پاکستان، عمل ایجاد تنش در ارتباط با همسایگان مرزی از جمله ایران و هند به عنوان قدرت‌های مستقل و مطرح در خاورمیانه می‌شود (Rafique, 2014: 128-131). اغلب جریانات و گروهک‌های افراطی از خارج کشور وارد می‌شوند و درصدد تفرقه میان تشیع و تسنن و در نهایت وحدت و امنیت استان را تهدید می‌کنند (مصاحبه با مولوی نذیراحمد سلامی نماینده مردم استان سیستان و بلوچستان در مجلس خیرگان رهبری، ۱۳۹۸/۰۶/۱۷).

۲۵



نفوذ تفکر سلفیت
در استان سیستان و
بلوچستان و تاثیر
آن بر امنیت ملی
جمهوری اسلامی
ایران

کشور پاکستان با انبوهی از مدارس مذهبی مواجه است، مداری که بیشترین تأثیر و نفوذ را در توسعه تفکرات افراطی داشته‌اند و در حال حاضر بیش از ۱۲۰۰۰ مدرسه مذهبی با گرایش رادیکال اسلامی در پاکستان وجود دارد. در این مدارس، محتوای برنامه‌های آموزشی و تربیتی به گونه ای است که دانش آموزان پس از فراغت از تحصیل، راه عملی ساختن آموخته‌های خود را در دست بردن به اسلحه می‌بینند (رفیع، ۱۳۹۴: ۱۹۰). خاستگاه مشترک و محل تحصیل یکسان علمای اهل سنت استان سیستان و بلوچستان و جریان‌های سلفی افراطی در مدارس دیوبندی نوعی پیوند عاطفی و درک مشترک از اسلام در میان آن‌ها به وجود آورد. (اکرم عارفی، ۱۳۷۸: ۳۳) از منجلا ب این تفکرات افراطی و مسموم، جریانات مذهبی تندرو از جمله سپاه صحابه، لشکر جهنگوی و طالبان پاکستان در شبه قاره شکل گرفت و به تبع آن جریانات افراطی در جنوب شرق کشور مانند گروهک جندالله، جیش العدل، سپاه صحابه ایران، گروهک الفرقان و ... فعال شدند.

قبل از بررسی احزاب و جریانات افراطی داخل استان، لازم است مبانی فکری دو جریان سپاه صحابه و لشکر جهنگوی را بشناسیم:

سپاه صحابه: یکی از فرقه‌های سنی مذهب پاکستان است که ادعا می‌شود به طور مستمر، درگیری‌های خشونت بار علیه جامعه شیعه پاکستان را در اولویت کار خود قرار داده است. از برنامه‌های محوری این جریان، تبدیل دولت پاکستان به یک دولت سنی است. سپاه صحابه شیعیان را مسلمان نمی‌داند و به عنوان واکنشی در قبال انقلاب شیعی

ایران تأسیس شده است (غفوری و همکاران، ۱۳۹۳: ۹۵). برخی از تحلیل‌گران، مهم‌ترین عامل اختلاف میان ایران و پاکستان را منافع فرقه‌ای و هویتی شیعه و سنی می‌دانند (Pant, 2009: 43-50).

لشکر جهنگوی: برخی نقل می‌کنند لشکر جهنگوی در سال ۱۹۹۶ م به وسیله اعضای ارشد سابق سپاه صحابه، کسانی که معتقد بودند سپاه صحابه از آرمان اولیه ضد شیعی خود دور شده تأسیس شده است. برخی نیز مدعی هستند که لشکر جهنگوی، به وسیله رهبران سپاه صحابه، به عنوان یک شاخه نظامی فعال و جدا از جناح‌های سیاسی تأسیس شد تا به پیشبرد اهداف سیاسی سپاه صحابه از طریق ادامه اقدامات خشونت‌بار فرقه‌ای، کمک نماید (Jamal, 2012: 5).

احزاب و جریان‌های افراطی استان که حاصل پیوند با جریان‌ات تکفیری تشکیل و موجب ناامنی شده‌اند:

۸-۱-۱. **گروهک جندالله:** این گروهک منشعب از حزب الفرقان است و در سال ۱۳۸۱ توسط عبدالمالک ریگی تأسیس گردید. وی هدف از ایجاد این گروهک را دفاع از بلوچ‌های اهل تسنن ایران دانست. از جمله جنایت‌های این گروهک می‌توان، حمله انتہاری به اتوبوس سپاه در بهمن سال ۸۵، حمله انتہاری به مسجد زاهدان در خرداد ۸۸، حمله انتہاری به همایش معتمدان و سران طوایف بلوچ در پیشین (شهادت سردار شهید شوشتری و محمدزاده) در آبان سال ۸۸ و ... اشاره نمود. بیش از نود درصد گروهک‌های افراطی و سلفی موجود در استان از کشور همسایه پاکستان به خاک کشور نفوذ می‌کنند و نظامیان، افراد انقلابی، شیعیان و علمای تقریبی و حامی نظام را مورد هدف قرار می‌دهند. (مصاحبه با نوروبی کارشناس امنیتی و امور مرز استانداری سیستان و بلوچستان، ۱۳۹۸/۰۶/۱۸)

گروهک جندالله مدعی بود که ۱۰۰۰ مبارز در اختیار دارد و ۴۰۰ سرباز ایرانی و تعداد بیشتری از غیرنظامیان ایرانی را به قتل رسانده است. این گروه همچنین ارتباطات نزدیکی با ناسیونالیست‌های بلوچ دارد و سازمان‌های ضد شیعی مانند لشکر جهنگوی از این گروه افراطی حمایت می‌کنند (Alikhan, 2012: 130-132).

۸-۱-۲. گروهک جیش العدل: این گروهک بعد از نابودی جندالله با سازماندهی تشکیلاتی تر برخی از اعضای آن در سال ۲۰۱۳ میلادی اعلام موجودیت کرد و یکی از دلایل اقدامات خود علیه جمهوری اسلامی ایران را حمایت از معارضان دولت سوریه اعلام و خود را مدافع حقوق اهل سنت بلوچستان می‌داند. از جمله جنایات‌های این گروهک می‌توان به شهادت ۸ نفر از مرزبانان در منطقه نگور در ۱۷ فروردین ۹۴، به اسارت گرفتن ۱۴ مرزبان در نقطه صفر مرزی میرجاوه در ۲۴ مهر ۹۷، حمله به اتوبوس مرزبانان سپاه در جاده خاش به زاهدان و به شهادت رساندن ۲۷ نفر از آنان در ۲۴ بهمن ۹۷ نام برد. جدیدترین جنایت این گروهک در تاریخ ۱۸ اسفند ۹۸ قصد حمله انتحاری به کلانتری زاهدان که خوشبختانه با تلاش‌های سربازان گمنام امام زمان (عج) ختشی گردید. (خبرگزاری ایرنا، ۱۹ اسفند ۹۸)

گروهک‌های تروریستی جندالله و جیش العدل همانند سلفی‌های افراطی منطقه از ابزارهای مختلفی در خشونت استفاده می‌نمایند که به ذکر برخی از آن‌ها می‌پردازیم:

۱. جنگ روانی از طریق فیلم ۲. ذبح انسان‌ها و سربریدن مقابل دوربین ۳. حمله انتحاری ۴. ترور مقامات و مسئولین و حامیان انقلاب اسلامی ۵. صدور فتوای شبهه‌انگیز مانند کشتار شیعیان و پاداش بهشت به آن‌ها و.....

۸-۲. مبارزه با نظام مقدس جمهوری اسلامی ایران

با پیروزی نظام مقدس جمهوری اسلامی ایران، جریان‌های مختلف سلفی افراطی و تکفیری کشورهای همجوار با حمایت‌ها و هدایت‌های برخی از کشورهای غربی و حوزه خلیج فارس در پی تضعیف آن بودند. انقلاب اسلامی ایران، تأثیرات سیاسی و اجتماعی زیادی در روابط با سایر کشورها برجای گذاشت؛ این تأثیر گذاری در کشورهای اسلامی به ویژه در جوامع شیعی قابل مشاهده بود. آنان با احساس خودباوری در جهت ارتقای نقش و جایگاه خود در کشورهاشان، به ایجاد و تقویت احزاب سیاسی و مذهبی مربوط به خود پرداختند (Goldberg, 1986: 239). پس از به قدرت رسیدن ضیاء الحق، خشونت‌های گسترده، سازمان یافته و فرقه‌گرایانه در پاکستان شکل گرفت و سیاست‌های ضیاء الحق به تحریک شیعیان دامن زد و واکنش‌های سیاسی آنان

را در پی داشت (Gilles Kepel, 2006: 102). در همین راستای، ایجاد تشکیلات و شبکه‌های اطلاعاتی پیچیده به وسیله علمای متعصب برای مقابله مکتب تشیع و انقلاب اسلامی ایران، مانند سپاه صحابه و لشکر جهنگوی شکل گرفت و مبارزه با تشیع و انقلاب اسلامی در رأس اهداف آن‌ها قرار داشت و ظهور نیروهای ضد شیعه از جمله سپاه صحابه و اهل حدیث، به دلیل مقابله با نفوذ ایران در منطقه به وجود آمد (جوادی ارجمندی، ۱۳۹۱: ۶۵). تشکیلاتی کردن علما و طلاب علوم دینی در جلسات و نشست‌های سالیانه پاکستان و برخی از کشورهای همجوار باعث گردید اهل سنت ایران از یک روند سنتی و غیر تشکیلاتی به سوی تأسیس انجمن‌ها و جریان‌ها با کارکرد تشکیلاتی و شبکه ای روی آورد.

جریان‌ات افراطی کشورهای همسایه با تحریک اهل تسنن استان از طریق مذهب و القای تفکرات سلفی تکفیری و علاوه بر آن مجهز کردن گروه‌های سلفی تکفیری به سلاح و مهمات در پی ضربه زدن به نظام جمهوری اسلامی و اندیشه‌های شیعه بوده‌اند. از سوی دیگر بسیاری از کشورها از جمله عربستان سعودی با اهرم قراردادن اهل تسنن استان در مقابل نظام جمهوری اسلامی ایران از طریق حمایت‌های مالی و جذب طلاب و دانشجویان در دانشگاه مدینه در سالیان گذشته توانسته‌اند در گسترش نفوذ تفکر سلفیت در استان موفق باشند. به گونه ای که در استان، بیشتر عالمان دینی شاخص اهل سنت از دانشگاه‌های آن کشور و یا مراکز دینی پاکستان و... فارغ التحصیل شده‌اند، همچنین وابستگی مالی به کشورهای خلیج فارس و عربی به منظور کسب بودجه برای ساخت و عمران و مساجد و حوزه‌های علمیه از مباحثی است که موجب نزدیکی و پیوند میان سلفیون و اهل سنت استان سیستان و بلوچستان شده است و این امر باعث تهدید نظام جمهوری اسلامی و نفوذ و گسترش روز افزون تفکر سلفیت در کشور شده است. در واقع می‌توان ادعا نمود اتاق فرمان جریان‌ات افراطی و مذهبی در استان در بیرون از مرزها مدیریت می‌شود.

از سوی دیگر حضور طلاب خارجی در استان سبب ورود اندیشه‌های سلفی در مراکز حوزوی گردیده است. به عنوان مثال، تأسیس بسیاری از حوزه‌های علمیه و

مدارس دینی با تفکرات سلفیت در سطح استان (زر آباد، کنارک، فنوج و سراوان) و... با حمایت‌های کشورهای حوزه خلیج فارس مبین این امر می‌باشد.

۸-۳. ایجاد شکاف قومیتی و مذهبی در استان

یکی از مسائلی که در جوامع بین‌المللی و در جوامع اسلامی توانسته است ابزاری برای براندازی و ایجاد جنگ‌های داخلی، هرج و مرج، و بی‌نظمی در کشور شود، سوء استفاده دشمن از ظرفیت اقوام و مذاهب در جوامع بشری به ویژه جوامع اسلامی است؛ فعال کردن جریان‌های افراطی سلفی در منطقه یکی از کارآمدترین شیوه‌های دشمن در ایجاد تفرقه و اختلاف در میان مردم به شمار می‌آید. از نگاه بسیاری از اندیشمندان، می‌توان دین را منشأ بسیاری از ظرفیت‌های اجتماعی قلمداد کرد؛ اما این امر در صورت عدم شناخت اقتضائات محیطی می‌تواند به عاملی در جهت ایجاد شکاف‌های اجتماعی و در نهایت تعارض سیاسی و ناامنی در سطح داخل منجر می‌شود (Copeland, 2016: 5). خشونت سازمان یافته تحت عناوین افراط‌گرایی فرقه‌ای نسبت به مقوله هویت سازی احساس تعهد کرده و در جهت ایجاد آگاهی و گسترش تشکیلات فرقه‌ای برای بسط حوزه عملیاتی خود اقدام می‌کند (Mori, 2016: 18) و خطری که فرقه‌ها در سطح اجتماعی ایجاد می‌کنند، گسترش تهدید سازمان یافته نسبت به گروه یا افرادی از جامعه است (Abdo, 2015: 18). منازعات فرقه‌ای در محیط امنیتی جمهوری اسلامی ایران می‌تواند تهدیداتی را برای نهادینه سازی وحدت و انسجام ملی به وجود آورد؛ در همین راستای، جریان‌های افراطی در تلاش‌اند از متن شکاف‌های اجتماعی به ویژه فعال کردن شکاف‌های قومی و مذهبی حرکت نمایند و زمینه ساز اختلافات مذهبی و قومیتی و در نهایت تهدیدی برای امنیت کشور به شمار می‌آیند.

استان سیستان و بلوچستان از لحاظ قومی و مذهبی دارای اقوام بلوچ و فارس و مذهب تشیع و تسنن (حنفی) می‌باشد. با ورود اندیشه‌های سلفی‌گری در میان اهل سنت از آن سوی مرزها، شکاف‌های قومیتی و مذهبی فعال گردیده و ما شاهد نوعی بدبینی و تعصبات بی‌جا نسبت به مسائل استان شده‌ایم به طوریکه هویت‌های مذهبی و قومیتی در مقابل هویت ملی و منافع کشور ارجحیت داشته و این امر سبب تقویت انرژی

واگرایی این مناطق نسبت به هسته مرکزی حکومت و کشور و در نهایت تهدید نرم برای امنیت و وحدت کشور شده است.

علاوه بر شکاف قومیت و مذهب، شکاف‌های درونی دیگری مانند بلوچ شیعی و سنی، سنی بریلوی^۱ و مودودی و دیوبندی و اهل حدیث (سلفی) در ادبیات مردمان استان تبدیل به یک گفتمان شده است. این شکاف‌ها به درون فرقه‌های مذهبی استان علی‌الخصوص در بین مذاهب اهل سنت ورود پیدا کرده و حاصل آن بدبینی فرقه‌های دیوبندی نسبت به بریلوی، مودودی و بالعکس می‌باشد (مصاحبه با مولوی عبدالرحمن ترنج زرمذیر حوزه علمیه مجددیه نعیمه عورکی دشتیاری و از علمای بریلوی استان، ۹۸/۱۲/۱۰). ما شاهد این قبیل اختلافات داخلی و درون مذهبی در استان می‌باشیم که این امر سبب تکرر فرقه‌ها، آسیب به وحدت اهل تسنن و نفوذ تفکرات افراطی سلفی در استان گردیده است. قبل از نفوذ اندیشه‌های سلفی به استان، مذاهب و فرق اهل تسنن و تشیع وحدت بیشتری داشتند و در بسیاری از مراسمات عزاداری، زیارت و توسل به ائمه در کنار همدیگر به مناجات می‌پرداختند اما با ورود اندیشه‌های سلفی به استان بسیاری از اعتقادات مذهبی و باورمند خود را زیر سؤال بردند و آن‌ها را محکوم و در بعضی موارد بدعت نامیدند. (مصاحبه با آقای حشمتی از مستبصرین استان، ۹۸/۱۰/۱۲)

۸-۴. ترور و تهدید

متأسفانه در سال‌های اخیر با توجه به نفوذ روز افزون تفکر افراطی سلفیت در منطقه، دشمن از ابزارهای بسیاری برای ضربه زدن به امنیت جمهوری اسلامی ایران استفاده می‌نماید و یکی از آن ترور و تهدید می‌باشد. ترور مستبصرین، افراد انقلابی و تقریبی اهل سنت، بسیاری از مردم شیعه، سرمایه‌گذاران، فرهنگیان غیر بومی، فرقه بریلویه استان (مصاحبه با مولوی تیرگان از علمای بریلوی استان، ۹۸/۱۲/۱۳) و... در دستور کار جریان‌های افراطی قرار گرفته است. به عنوان مثال می‌توان، ترور شهید اسلام زومک

۱. فرقه ای از اهل سنت احناف می‌باشند دارای مسلک تصوف و به وسیله احمد رضاخان بریلی در دوره استعمار بریتانیا در هندوستان به وجود آمدند. در استان سیستان و بلوچستان در مناطق دشتیاری و سراوان فرقه بریلوی وجود دارد.

زهی که به مذهب تشیع پیوسته بود در شب عید غدیر مورخ ۸۴/۱۰/۲۸ به شهادت رسید، ترور مهدی توکلی روحانی شیعه در تاریخ ۸۶/۷/۱۰ در روستای افتخار آباد خاش که منجر به شهادت وی شد، ترور ابراهیم کریمی معاون دادگستری سراوان در تاریخ ۸۷/۳/۲۷ که به شهادت رسید، ترور مولوی جنگی زهی در راسک و بسیاری از ترورهای دیگر که مجال بیان آن نیست، اشاره نمود.

۵-۸. بلوچستان مستقل

قوم بلوچ ایران با بلوچ‌های پاکستان در سه متغیر مذهب، زبان و قومیت تجانس دارد. ترکیب این سه متغیر همسو بر همگرایی دو بخش بلوچ نشین ایران و پاکستان تأثیر گذاشته و آرمان سیاسی بلوچستان بزرگ را در قالب تلاش برخی نخبگان بلوچ برای کسب هویت مستقل سیاسی «بلوچستان آزاد» پدید آورده است (حافظ نیا، ۱۳۷۹: ۱۷۵). استان سیستان و بلوچستان به واسطه موقعیت ژئوپلیتیکی، دسترسی به مرز آبی و خشکی و پیوندهای فرهنگی و مذهبی با همتایان خود در آن سوی مرزها باعث شده همواره بیگانگان دست طمع و جنگ اندازی به آن دراز کنند و درسالیان اخیر تحرکاتی برای پیاده سازی نقشه‌های پلید خود در منطقه انجام داده‌اند که یکی از این برنامه‌ها و راهبردها، مطالبه «بلوچستان مستقل» از حکومت مرکزی می‌باشد. آرمان سیاسی بلوچستان بزرگ برای کسب هویت مستقل سیاسی بلوچستان آزاد از سال ۱۹۵۵ میلادی مطرح گردید و خیزش‌هایی جدایی طلبانه مسلحانه قومی و مذهبی در منطقه صورت می‌گیرد. نفوذ جریان‌های القاعده و تفکر طالبانیسم در برخی از جنبش‌های قومی بلوچ می‌تواند به تبانی گروه‌های تروریستی و احزاب ناسیونالیستی و بنیاد گرای دینی منجر شود. واشنگتن در تکاپوی ایجاد بلوچستان بزرگ که مناطق بلوچ نشین پاکستان و ایران و احتمالاً بخشی از افغانستان را جدا خواهد کرد، می‌باشد؛ به همین دلیل آمریکا از ناسیونالیسم بلوچ‌ها برای ایجاد آشوب و شورش در استان سیستان و بلوچستان استفاده می‌کند (چوسودوفسکی، ۱۳۸۸: ۱۱۲).

اشتراکات مذهبی، قومیتی و زبانی مردم بلوچ با همسایگان و ایجاد نوعی همسوگرایی میان مردمان این مناطق، باعث گردیده ارتباطات و رفت و آمدهای دوسویه

در مرز بین دو کشور تقویت شود و اغلب مردم استان جهت انجام امورات درمانی و خریدهای مایحتاج زندگی خود به جای سفر به مرکز کشور به پاکستان مسافرت می‌کنند. به عنوان مثال در نظر سنجی که در سال ۱۳۷۰ از نواحی شهری بلوچستان انجام شده بود از ۲۳۰۰ پرسش شونده بلوچ، تنها ۷ درصد آن‌ها به تهران سفر کرده بود اما تعداد سفرهای این افراد به پشاور و کوئته به ترتیب ۴۳ و ۵۸ درصد است. (پاپلی یزدی، ۱۳۸۵: ۳۴)

نتیجه‌گیری

نفوذ تفکر سلفیت افراطی در جهان اسلام و به ویژه کشورهای شبه قاره هند چهره ای نامهربان و رادیکال از اسلام به دنیا مخایره نموده است. استان سیستان و بلوچستان به لحاظ قرابت فرهنگی، قومیتی و مذهبی با کشورهای همجوار (افغانستان و پاکستان) محیط مناسب و مستعد پذیرش جریانات افراطی می‌باشد.

خاستگاه مشترک و محل تحصیل یکسان علمای اهل سنت استان با جریانات سلفی افراطی در مدارس دینی دیوبند، نوعی پیوند و درک مشترک از اسلام در میان آن‌ها به وجود آورد. بعد از حمله آمریکا به افغانستان اندیشه سلفی تکفیری در پاکستان و افغانستان به شدت گسترش یافت و موجب گردید ارتباطاتی فی مابین جریان‌های مذهبی و افراطی اهل سنت استان (برخی از مولوی‌های ناراضی از وضع موجود و حکومت) و جریان‌های افراطی کشورهای همجوار مانند سپاه صحابه، لشکر جهنگوی، طالبان و ... برقرار شود و حاصل آن تشکیل گروه‌های افراطی و ساختار شکن در استان مانند حزب الفرقان، جندالله، جیش العدل و ... بود. زایش این تفکرات افراطی در استان متأثر از گروه‌ها و جریان‌های افراطی خارج از مرز، موجب تهدیدات جدی بر امنیت ملی جمهوری اسلامی و در رأس آن مذهب تشیع شد.

براساس مبانی فکری جریان‌های مذهبی تندرو پاکستان (سپاه صحابه و لشکر جهنگوی) یکی از مهم‌ترین اصول اعتقادی آن‌ها، مبارزه با مذهب تشیع بود و درصدد ضربه زدن به امنیت جمهوری اسلامی از طریق تحریک جریانات افراطی مناطق مرزی استان می‌باشند. به طوریکه هویت‌های قومیتی و مذهبی در میان جریانات مذهبی اهل

سنت استان نسبت به هویت ملی و منافع کشور ارجحیت داشت. لذا انتظار می‌رود علمای حوزوی، نخبگان دانشگاهی و کنشگران اجتماعی اهل سنت در مقام عمل نسبت به نفوذ این تفکرات مسموم و جاهلانه مواضع و رهنمودهای خود را در بصیرت‌افزایی و روشنگری طبقات مختلف مردم استان اعلام نمایند و با همکاری جریان‌های مذهبی اهل تشیع در راستای خشکاندن ریشه تکفیر و افراط‌گرایی در کشور برنامه‌های راهبردی و عملیاتی ارائه دهند. رشد و شکوفایی و توسعه استان و کاهش تفکرات افراطی منوط به ایجاد آرامش روانی در جامعه استان، مقابله با تعصبات قومیتی و مذهبی، ارجحیت منافع و هویت ملی نسبت به منافع قومیت و مذهب می‌باشد.

۳۳

پژوهش‌های بین‌المللی روابط بین‌الملل

نفوذ تفکر سلفیت
در استان سیستان و
بلوچستان و تاثیر
آن بر امنیت ملی
جمهوری اسلامی
ایران

پیشنهادات و راهکارها

براساس پژوهش حاضر با موضوع نفوذ تفکر سلفیت در استان و تأثیر آن بر امنیت ملی جمهوری اسلامی ایران و مطالعات میدانی، کتابخانه‌ای و تجربیات و مشاهدات عینی، برخی از پیشنهادات و راهکارها جهت بهره‌وری مخاطبان اجمالاً اشاره می‌گردد:

۱- دیپلماسی سیاسی و مذهبی میان جمهوری اسلامی ایران و کشورهای همجوار پرورش دهنده تفکر سلفی افراطی جهت روشن نمودن اهداف و اقدامات خود از طریق عالمان فرهیخته و تقریبی؛

۲- اعلام موضع علمای فرهیخته اهل سنت در مقام عمل نسبت به جلوگیری از گسترش تفکرات افراطی و سلفی به داخل کشور؛

۳- ورود نخبگان علمی اهل سنت در روشنگری و بصیرت‌افزایی در مقابله با جریان‌های مذهبی و افراطی استان؛

۴- استفاده از ظرفیت‌های دینی و اعتقادی علمای تقریبی گرایش‌های فکری فقه حنفی استان؛

۵- ساماندهی جریانات فعال مذهبی با رویکرد سلفی استان؛

۶- شناسایی اتاق فرمان عملیات تزریق اندیشه‌های افراطی در استان و خارج از مرزها؛

- ۷- پرهیز و برخورد با فعالیت‌ها و اقدامات و اظهارات تنش‌زا و اختلاف برانگیز افراد تندرو شیعه؛
- ۸- تقویت فکری و اعتقادی اقشار روشنفکر و دانشگاهی اهل سنت؛
- ۹- سرمایه‌گذاری در زیرساخت‌های اقتصادی، آموزشی، بهداشتی و راه‌های مواصلاتی استان؛
- ۱۱- ارتقای شاخص‌های توسعه استان و رساندن آن به میانگین کشوری؛
- ۱۲- تقویت حوزه‌های علمیه غیر سلفی با رویکرد تقریبی؛
- ۱۳- توانمندسازی تبلیغی حوزه‌های علمیه شیعه و اعزام مبلغان قوی به استان و پاسخگو بودن به شبهات فقهی اهل سنت؛
- ۱۴- مبارزه با فقر و بیکاری و ایجاد شغل‌های پایدار در استان؛
- ۱۵- بومی‌سازی برنامه‌های دینی و فرهنگی صدا و سیما مرکز استان.

منابع

- افتخاری، اصغر. (۱۳۷۷). «بهره متغیر امنیت داخلی»، *فصلنامه مطالعات راهبردی*، شماره چهارم.
- احمد، عزیز. (۱۳۶۷). *تاریخ تفکر اسلامی در هند*، ترجمه نقی لطفی و محمدجعفر یاحقی، تهران.
- اکرم عارفی، محمد. (۱۳۷۸). «مبانی مذهبی و قومی طالبان»، *مجله علوم سیاسی*، شماره ۴.
- ابن ابی یعلی، محمدبن محمد. (بی‌تا). *طبقات الحنابلہ*، بیروت: نشر دارالمعروفه.
- ابن منظور. (۱۴۱۴). *لسان العرب*، بیروت: ناشر دارالکفر - دار صادر.
- ابن قیم، جوزی. (۱۳۹۳ ق). *الاعلام الموقعین*، بیروت: نشر دارالجيل.
- ابن فارس، احمد. (۱۴۰۴ ق). *معجم مقاییسیس اللغه*، قم: نشر مکتب الاعلام الاسلامی.
- ابن تیمیه، احمد. (۱۴۰۲). *فتاوی الحمویه الکبری*، بیروت: انتشارات دارالکتب العلمیه.
- ابن تیمیه، احمدبن عبدالحلیم. (۱۴۰۶). *الرد المنطقیین*، پاکستان: دارالترجمان السنه.

بامری، جواد. (۱۳۹۱). *شبهه شناسی قیام امام حسین (ع)*، قم: انتشارات آشیانه، چاپ گل‌ها.

بامری، واحد. (۱۳۹۵). «جریان فرا مذهبی بودن حاکم اسلامی از دیدگاه مذهب حنفی با تاکید بر مکتب دیوبندی»، رساله دکترا، رشته مذاهب اسلامی، دانشکده مذاهب اسلامی، دانشگاه ادیان و مذاهب، قم.

بکر، علاء. (۱۳۹۵). *پرسش و پاسخ‌های پیرامون سلفیت*، ترجمه ابو خالد عبدالله محمدی، چاپ اول.

پاپلی یزدی، محمدحسین. (۱۳۸۵). *امنیت مرزهای شرقی ایران*، معاونت پژوهش‌های سیاست خارجی، تهران: مرکز تحقیقات استراتژیک.

پورسعید، فرزاد. (۱۳۹۳). «مفهوم و ماهیت امنیت در جمهوری اسلامی ایران»، *فصلنامه آفاق امنیت*، سال هفتم، شماره بیست و دوم، صص ۱۵۵-۱۳۵.

جمالزایی، مسعود. (۱۳۹۵). «بررسی ریشه‌ها و عوامل رشد و تکوین سلفیت در جنوب شرق ایران با تمرکز بر استان سیستان و بلوچستان در دهه اخیر»، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، رشته علوم سیاسی، دانشگاه خوارزمی، تهران.

جهانی، محمد. (۱۳۹۲). «تأثیر اقلیت‌گرایی مذهبی بر امنیت ملی جمهوری اسلامی ایران (با تأثیر بر نقش سلفیت)»، *فصلنامه آفاق امنیت*، سال ششم، شماره ۲۰.

جوادی ارجمند، محمدجعفر و دیگران. (۱۳۹۱). «تحلیل ژئواستراتژیکی روابط ایران و پاکستان با تأکید بر عامل امنیتی»، *فصلنامه مطالعات شبه قاره*، سال چهارم، شماره ۱۲، صص ۷۶-۵۱.

چوسودوفسکی، میشل. (۱۳۸۸). *پاکستان و نبرد جهانی علیه تروریسم*، ترجمه چشم‌انداز ایران، تهران.

حافظ نیا، محمدرضا. (۱۳۷۹). *وضعیت ژئوپلیتیکی پنجاب در پاکستان*، تهران: نشر المهدی.

حیدری نسب، محمدباقر. (۱۳۹۱). *اندیشه‌های سلفی‌گری در استان سیستان و بلوچستان*، قم: انتشارات آشیانه مهر.

حاجیانی، ابراهیم. (۱۳۹۱). «هویت ایرانی- اسلامی و امنیت پایدار جمهوری اسلامی»، *فصلنامه آفاق امنیت*، سال پنجم، شماره چهاردهم.

رفیع، حسین. (۱۳۹۴). «تأثیر نفوذ وهابیت در پاکستان بر روابط این کشور با جمهوری اسلامی ایران»، *فصلنامه مطالعات روابط بین‌الملل*، سال هشتم، شماره ۳۲، صص ۱۷۷-۲۱۱.

زراعت پیشه، نجف. (۱۳۸۴). *برآوردهای استراتژیک عربستان سعودی (سرزمینی- سیاسی)*، تهران: موسسه فرهنگی مطالعات و تحقیقات بین‌المللی ابرار معاصر.

سیاح، احمد. (۱۳۷۱). *فرهنگ بزرگ جامع نوین*، جلد ۱، تهران: انتشارات اسلام.

سربازی، عبدالرحمن. (۱۳۹۵). *اعتدال در مسلک دیوبند*، انتشارات امام محمد غزالی.

علیزاده موسوی، سید مهدی (۱۳۹۲)، *مکتب دیوبند و جنبش جماعت تبلیغ*، چاپ اول، قم، انتشارات دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه قم.

علیزاده موسوی، سید مهدی. (۱۳۸۹). *سلفی‌گری و وهابیت / تبار شناسی*، جلد اول، چاپ سوم، قم: انتشارات پاراندیش.

عمید زنجانی، عباسعلی. (۱۳۸۴). *جزوه فلسفه امنیت در اسلام*، تهران: دانشگاه عالی دفاع ملی.

عزیزی، پروانه؛ آذرمنند، رزا. (۱۳۹۰). «بررسی عوامل واگرایی قوم بلوچ و تأثیر آن بر امنیت کشور»، *مجله دانشنامه (واحد علوم و تحقیقات)*، شماره ۱۴، صص ۱۱۱-۹۵.

غفوری، محمود؛ داوند، محمد. (۱۳۹۳). «تحلیل تهدیدهای دولت و جامعه پاکستان علیه امنیت ملی جمهوری اسلامی ایران»، *فصلنامه مطالعات شبه قاره دانشگاه سیستان و بلوچستان*، سال ششم، شماره هجدهم، صص ۸۹-۱۱۶.

فرمانیان، مهدی؛ معینی فر، محمد. (۱۳۹۵). *سلفیه از گذشته تا حال*، چاپ اول، قم: انتشارات دانشگاه ادیان و مذاهب.

فرمانیان، مهدی. (۱۳۹۳). *فرق و مذاهب کلامی اهل سنت*، قم: اندیشکده راهبردی ادیان، فرق و مذاهب.

قرضاوی، یوسف. (۱۳۸۱). *آینده بیداری اسلامی*، چاپ اول، ترجمه موسی تیموری، تهران: انتشارات احسان.

لکزایی، نجف و دیگران. (۱۳۹۵). «امنیت ملی و دولت اسلامی از منظر فقه شیعه»، *فصلنامه سیاست متعالیه*، سال چهارم، شماره ۱۴، صص ۶۱-۴۱.

موسوی خمینی، روح الله، *صحیفه نور*، جلد چهارم، ص ۱۶۷.

معین، محمد. (۱۳۷۱). *فرهنگ فارسی*، جلد اول، چاپ هشتم، تهران: امیر کبیر.

ماندل، رابرت. (۱۳۷۷). *چهره متغیر امنیت ملی*، تهران: دانشکده مطالعات راهبردی.

میر، سلطانعلی. (۱۳۷۰). «علل و بحران در سیستان و بلوچستان»، پایان نامه کارشناسی، قم: مرکز آموزش عقیدتی سیاسی سپاه.

نورائی، هوشنگ. (۱۳۹۰). *پروسه تداوم و تغییر در مذهب در بلوچستان ایران در قرن اخیر: از سنت‌های محلی و صوفیانه تا دیوبندیسم رادیکال و سیاسی*، لندن: دانشگاه وست منیستر.

نعیمیان، زبیح الله. (۱۳۸۴). «انقلاب اسلامی و بازتاب آن بر پاکستان»، *مجله معرفت*، شماره ۹۸.

تحقیقات میدانی

خبرگزاری ایرنا، ۱۹ اسفند ۹۸

مصاحبه با مولوی عبدالرحمن ترنج زرمدر حوزه علمیه مجددیة نعیمیه عورکی دشتیاری و از علمای بریلوی استان، ۹۸/۱۲/۱۰.

مصاحبه با مولوی تیرگان از علمای بریلوی استان، ۹۸/۱۲/۱۳.

مصاحبه با مولوی نذیراحمد سلامی نماینده مردم استان سیستان و بلوچستان در مجلس خبرگان رهبری، ۱۳۹۸/۰۶/۱۷.

مصاحبه با آقای حشمتی از مستبصرین نیکشهر، ۹۸/۱۰/۱۲.

مصاحبه با آقای بنافی مدیر دفتر تبلیغات شعبه جنوب شرق کشور، ۱۳۹۹/۰۱/۲۹.

مصاحبه با آقای رئیسی از طلاب مدرسه دارالسنه سندسر، ۱۳۹۸/۱۱/۳.

مصاحبه با آقای شیرمحمد جوادی کارشناس دفتر نهاد رهبری در امور اهل سنت چابهار،
۱۳۹۸/۱۰/۱۴.

مصاحبه با مولوی عبدالغنی دهانی کارشناس مدارس دینی نهاد رهبری در امور اهل سنت
سیستان و بلوچستان، ۱۳۹۸/۰۶/۱۷.

مصاحبه با نوروزی کارشناس امنیتی و امور مرز استانداری سیستان و بلوچستان،
۱۳۹۸/۰۶/۱۸.

مصاحبه با مولوی احمد سپاهی امام جمعه اهل سنت جالق سراوان، ۱۳۹۹/۰۱/۱۲.

Ali Khan, Zahid. Balochistan Factor in Pak-Iran Relations: Opportunities and Constraints. A Research Journal of South Asian Studies, Vol. 27, No. 1, January-June. pp, 121-140, 2012.

Abdo, Geneive, Salafists and Sectarianism: Twitter and Communal Conflict in the Middle East, Center for Middle East Policy, pp1-68, Brooking: 2015.

Copeland, Thomas, "Is the new terrorism really new? An analysis of the new paradigm for terrorism", the journal of conflict studies, pp22-35, winter, 2016.

Jamal, A. "Malik Mohammad Ishaq: Founder of Lashkar e- Jhangvi", Militant Leadership Monitor, Vol. 3, Issue 5, May, 1-13, 2012.

Guralink, David – Edi. (1982). Webster's New World Dictionary, New York: Siman and Schster.

Goldberg, Jacob. (1986). The Foreign Policy of Saudi Arabia: The Formative Years 1902-1918, Havard University Press.

Hill, Fiona, Terrorism, Religious Extremism, and Regional Stability, International Relations, committee on the Middle East and Central Asia, 23, July 2015.

Kepel, Gilles. (2008) The Brotherhood in the Salafist Universe, Current Trends in Islamise Ideology, Vol 6, Washington, Hudson Institute.

Mori, Sebastiano & Leonardo Taccetti, Rising Extremism in Central Asia? Stability in the Heartland for a Secure Eurasia, European Institute for Asian Studies, 2016.

Pant, Harsh V. Pakistan and Iran's Dysfunctional Relationship. Middle East Quarterly, Spring, Volume xvi: Number 2, 2009.

Rafique, Muhammad, Evolutionary Transformation of Religious Extremism and Terrorism: An Analysis of Fata-Pakistan, Institute for Strategic Studies, Research and Analysis (ISSRA), pp119-136, Islamabad: 2014.